

تجار و تجارت

منتخبی از اسناد تجارتخانه اتحادیه

به کوشش

منصوره اتحادیه (نظام مافی) و رقیه آقابالا زاده شللو

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: اتحادیه، منصوره (نظام‌مافی)، ۱۳۱۲.
عنوان و نام پدیدآور: تجار و تجارت
منتخبی از اسناد تجارتخانه اتحادیه به‌کوشش اتحادیه، منصوره (نظام‌مافی) و رقیه آقابالا‌زاده شللو.
مشخصات نشر: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: صرافی، ایران، تاریخ، ۱۳۴۴-۱۱۹۳ق.
Exchange, Iran, Tabriz, History, 1719-1925.
موضوع: صرافی، ایران، تبریز، تاریخ، ۱۳۴۴-۱۱۹۳ق
Exchange, Iran, Tabriz, History, 1719-1925.
موضوع: اقتصاد، ایران، تاریخ، ۱۳۴۴-۱۱۹۳ق
Economics, Iran History, 1719-1925.
موضوع: اقتصاد، ایران
Economics, Iran
موضوع: صرافی، ایران
Exchange, Iran
موضوع: ایران، تاریخ، قاجاریان، ۱۳۴۴-۱۱۹۳ق.
Iran, History, Qajars, 1779-1925.
موضوع: شناسه افزوده: آقابالا‌زاده شللو، رقیه، ۱۳۶۱.
رده‌بندی کنگره: HB۲۰۱
رده‌بندی دیویی: ۳۳۵/۴۱۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۱۷۰۲۷



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

تجارت و تجارت

منتخبی از اسناد تجارتخانه اتحادیه

به‌کوشش منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) و رقیه آقابالا‌زاده شللو

اجرا: نشر تاریخ ایران
طرح جلد: فریبا علایی
چاپ و صحافی: الغدیر
عکس روی جلد: خانه حاج رحیم اتحادیه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۴۳-۶
ISBN: 978-600-8687-43-6
چاپ اول: ۱۳۹۸
تیراژ: ۱۰۰۰
قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

خواننده گرامی

انتشار این کتاب مرهون حمایت‌های مالی و معنوی
جناب آقای مهندس مهدی اتحادیه است که بدین وسیله
از ایشان کمال سپاس و قدردانی را داریم.



فهرست عناوین

۹	پیشگفتار
۲۵	مقدمه
۴۱	اسناد تجاری رشت
۱۰۹	اسناد تجاری فارس
۱۵۹	اسناد تجاری تبریز
۱۹۳	اسناد تجاری کاشان
۲۰۵	اسناد تجاری اصفهان
۲۱۹	اسناد تجاری زنجان و قزوین
۲۲۷	اسناد تجاری اهواز
۲۳۳	اسناد تجاری بوشهر
۲۳۹	اسناد تجاری کرمان
۲۴۳	اسناد تجاری همدان
۲۴۷	اسناد درخواست امتیاز چراغ برق
۲۶۱	اسناد کارخانه سمینت
۲۷۳	اسناد کارخانه شیمیایی
۲۷۹	مکاتبات تجاری تجار بمبئی با شرکت اتحادیه
۳۱۱	اسناد تجاری بادکوبه
۳۲۳	اسناد تجاری استانبول
۳۲۷	اسناد تجاری اروپا
۳۵۹	مکاتبات حاج رحیم اتحادیه از پاریس با پسرانش
۳۷۹	جداول

۵۰۹

۵۱۷

۵۲۹

تصاویر

فهرست اعلام متن

فهرست اعلام جداول

پیشگفتار

در سال ۱۳۰۵ق / ۱۲۶۶ش / ۱۸۸۷م عده‌ای از صراف‌های تبریز شرکتی به نام شرکت اتحادیه به ریاست حاجی علی کوزه‌کنانی تشکیل دادند که تا حدود ۱۳۲۰ق / ۱۲۸۰ش / ۱۹۲۰م فعال بود. از جمله شرکا حاجی لطفعلی^۱ و پسرش حاجی رحیم بودند که از طرف شرکت به تهران آمدند تا امور شرکت را در آنجا اداره کنند. در تاریخ ۱۳۱۶ق / ۱۲۷۷ش / ۱۸۹۸م پیمان حاجی لطفعلی و کوزه‌کنانی به دلایل نامشخص فسخ شد و حاجی لطفعلی و حاجی رحیم همچنان در تهران ماندند و مجدداً پدر و پسر شرکتی به نام شرکت اتحادیه تأسیس کردند و به امور صرافی و تجارت پرداختند. پس از حاجی لطفعلی، پسرش، حاجی رحیم فعالیت‌های تجاری شرکت را به تنهایی تا سال ۱۳۱۳ش اداره کرد. در این سال حاجی رحیم فوت کرد. پس از او فرزندان فعالیت تجاری پدر را دنبال نکردند.

کتابی که منتشر می‌شود منتخبی از اسناد تجاری شرکت اتحادیه و در واقع دنباله کتاب صرافی و صراف‌ها است که در ۱۳۹۶ در نشر تاریخ منتشر شده است.^۲

حرفه اصلی حاجی لطفعلی و پسرش حاجی رحیم، صرافی بود. این دو جزو صراف‌های معروف آذربایجان به حساب می‌آمدند. به نظر می‌رسد که تجارت را کم‌کم در تهران آغاز کردند ولی کار صرافی را همچنان ادامه دادند. اسنادی که در این کتاب ارائه شده هر چند کامل نیستند ولی مطالبی از شرایط

۱. حاجی لطفعلی فرزند حاجی باقر امین‌الضرب پسر حاجی لطف‌الله تبریزی بود.

۲. اتحادیه، منصوره (نظام مافی) و سعید روحی، صرافی و صراف‌ها ...، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۹۶.

تجاری کشور و به خصوص جنبه‌هایی از روش کار و عملکرد تجار و مشکلات آنها را روشن می‌کند که در جای خود حائز اهمیت است.

دوره زمانی را که این اسناد در برمی‌گیرد، دوره گزار است از یک سیستم اقتصادی - مالی کهنه که در انقلاب مشروطه و جنگ جهانی اول و سپس انقلاب شوروی بسیار به هم ریخت و دیگر کارساز نبود و آغاز دوره‌ای که دولت جدید پهلوی توانست آرامش را برقرار سازد و مسائل اقتصادی و مالی را تحت کنترل درآورد. بنابراین قبل از بحث درباره این اسناد، شمه‌ای از وضع اقتصادی و تجاری کشور به اختصار توصیف شده تا شرایطی که تجار با آن مواجه بودند، بهتر درک شود.

طی سلطنت طولانی ناصرالدین شاه اقتصاد ایران در شمال با روسیه و در جنوب به انگلستان وابسته بود. تجار داخلی قادر به رقابت با تجار کشورهای قدرتمند نبودند و کوشش‌های آنان با سرمایه‌های قلیل به جایی نمی‌رسید. از این رو صنایع داخلی بیش از پیش از بین می‌رفت و ایران بیشتر و بیشتر مجبور می‌شد برای تأمین نیازهای اساسی مملکت به واردات روی آورد. ضعف سیاسی و مالی دولت که با کسر بودجه و درآمد ناچیز و تورم مواجه بود، فروش امتیازات و انحصارات را به دنبال داشت. در سال ۱۳۰۷ق دولت امتیاز تنباکو را به یک شرکت انگلیسی واگذار کرد که باعث نارضایتی و شورش گسترده شد. دولت ناچار امتیاز را لغو و برای پرداخت غرامت شرکت، از بانک شاهی مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ لیره وام گرفت. این اولین وام خارجی بود که همه گرفتاری‌های اقتصادی بعدی را به دنبال داشت.

مظفرالدین شاه از بدو سلطنت خود با بحران اقتصادی مواجه بود و بالاچار به وام خارجی متوصل شد. در مقابل امتیازات جدیدی اعطا شد که وابستگی و تورم را عمیق‌تر و به نوبت نارضایتی و اعتراضات را گسترده‌تر کرد، تا سرانجام به انقلاب مشروطه منتهی شد. بازاریان و کسبه و تجار در انقلاب مشروطه سهم بزرگی ایفا کردند که حاکی از نارضایتی این قشر از جامعه بود. انقلاب مشروطه با هدف تدوین قانون اساسی، ایجاد یک سیستم پارلمانی، محدود کردن استبداد شاه و استعمار قدرت‌های بزرگ آغاز شد. ولی خیلی زود اهداف مشروطه‌خواهان با کارشکنی محمدعلی شاه و مخالفین مشروطه از یک طرف

و از طرف دیگر تغییر مثنی سیاسی روس و انگلیس که مقارن انقلاب، منعقد کردند به مشکل برخورد.

این قرارداد، رقابت دیرین آنها را که یک نوع تعادل سیاسی ایجاد کرده بود، به همکاری مبدل ساخت و مشروطه نوپای ایران و استقلال آن را به مخاطره انداخت. کشور وارد یک دوره هرج و مرج و جنگ داخلی با عوارض مخرب شد که جنگ جهانی آن را وخیم تر گردانید؛ به خصوص شرایط اقتصادی و مالی کشور به هم ریخت.

جنگ در پاییز ۱۲۹۸ش / ۱۹۱۸م پایان یافت. در آن وقت اقتصاد کشور بسیار مختل شده و شرایط ناشی از عواقب جنگ مانند قحطی، اپیدمی و کشتار جمعی وضع را بحرانی کرده بود. به خصوص تجارت خارجی از بین رفت، دکتر زرگر که روابط سیاسی ایران و انگلیس را در دوران سلطنت رضاشاه مطالعه کرده است، می نویسد: شرایط داخلی از این بدتر نمی شد و کشور رو به اضمحلال و تجزیه می رفت.^۳ نکته امیدوارکننده در این زمان این بود که شوروی قبل از پایان جنگ تمام امتیازات استعماری روسیه تزاری با ایران را لغو کرد،^۴ که در مقایسه با انگلستان که همچنان پایبند سیاست استعماری بود تضاد فاحشی می نمود. ولی در پایان جنگ، انگلستان اول قدرت منطقه بود و مدتی حریفی نداشت. در نتیجه این دولت سعی کرد از طریق قرارداد سال ۱۲۹۸ش / ۱۹۱۹م سلطه خود بر ایران را کامل کند.

در میان همه آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از جنگ شاید یکی از افشاری که بیشترین صدمه را متحمل شد، طبقه تجار بود. در واقع بدی وضع تجارت و اقتصاد نشانه خرابی کلی وضع کشور بود. انقلاب بلشویکی به تجارت

۳. زرگر، علی‌اصغر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه: کاوه بیات، پروین، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۹.

۴. طبق قرارداد اسفند ۱۲۹۹ با شوروی تمام معاهدات تزاری با ایران و معاهداتی که با یک قدرت ثالث در مورد ایران منعقد شده بود ملغی اعلام شد، وام‌های تزاری باطل، تمام دارایی و امتیازات اقتصادی به استثنای ماهیگیری دریای خزر به ایران مسترد گردید. شوروی در مقابل این معاهدات و امتیازات با ذکر این مورد که در صورت آنکه خطری از سوی یک قدرت ثالث اتحاد شوروی را تهدید کند حق خواهد داشت ایران را اشغال کند، امنیت مرزهای جنوبی خود را تضمین نماید. زرگر، روابط ایران و انگلیس، صص ۸۰-۷۹.

به خصوص تجارت شمال ایران صدمه وارد کرد. در سال ۱۲۹۹ش/ ۱۹۲۰م دولت شوروی تجارت را به انحصار خود درآورد، اما در عین حال نسبت به کشورهای شرقی امتیازاتی قائل شد. چنانکه اجازه دادند محصولات صنعتی شوروی با مواد خام کشورهای شرقی مبادله شود و بازرگانان این کشورها اجازه یافتند در شوروی رفت و آمد کنند، در بازار مکاره شرکت کنند و اجناس روسی در شرق ارزان تر از غرب به فروش رسد، با این اوصاف وضع تجارت شمال ایران بحرانی بود.

لغو امتیازات روسیه تزاری توسط شوروی بدان معنی نبود که نسبت به وقایع ایران بی توجه گشته، دیری نپایید که رقابت با انگلستان در زمینه سیاسی و اقتصادی از سر گرفته شد. شوروی اعلام کرد قرارداد ۱۹۱۹م را به رسمیت نمی شناسد و در اردیبهشت ۱۲۹۹ش/ ۱۹۲۰م بحریه خود را در بندر انزلی پیاده و با میرزا کوچک خان^۵ تماس برقرار کرد و در گیلان، جمهوری شورایی سوسیالیستی ایران یا جمهوری شورایی گیلان اعلان شد.

رئیس الوزرا و ثوق الدوله عاقد قرارداد ۱۹۱۹م که با مخالفت داخلی مواجه بود، نتوانست آن را به تصویب مجلس برساند و استعفا داد و مشیرالدوله به ریاست وزرا منصوب شد. مشیرالدوله تصمیم به مذاکره مستقیم با مسکو گرفت و علی قلی مشاورالممالک انصاری را برای مذاکره به آن کشور اعزام داشت. وی همچنین با انگلیسی ها هم به مذاکره پرداخت، سرنوشت قرارداد همچنان معلق بود، چون مجلس می بایست آن را تصویب می کرد، اما مشیرالدوله در اجرای انتخابات تعلل می کرد. کابینه مشیرالدوله با مخالفت انگلیسی ها دوام نیاورد.^۶ کابینه بعدی توسط سپهدار اعظم تشکیل شد. او هم بیش از ۴ ماه بر سرکار نبود. در سوم اسفند ۱۲۹۹ش/ ۲۲ فوریه ۱۹۲۱م با کودتای سیدضیاءالدین طباطبایی روزنامه نگار و رضاخان میرپنج فرمانده دیویزون قزاق برکنار شد.^۷

۵. لنزوسکی، جرج، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه: اسماعیل رائین، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۵۳، ص ۹۸.

۶. کابینه مشیرالدوله از ۲۶ شوال ۱۳۳۸ق/ ۱۲۹۹ش/ ۱۹۲۰م تا ۱۴ صفر ۱۳۳۹ق/ ۶ آبان ۱۲۹۹ش/ ۲۸ اکتبر ۱۹۲۰م بر سرکار بود.

۷. برای اطلاع بیشتر، رک: مکی، حسین، تاریخ بیست ساله، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۴.

همزمان در مسکو قرارداد با شوروی توسط مشاورالممالک نماینده ایران و کاراخان معاون وزیر خارجه شوروی به امضا رسید. بعد از این قرارداد مودت می‌بایست بلافاصله قرارداد تجاری منعقد می‌شد.^۸ دولت ایران برای تسریع جریان، حسن تقی‌زاده را به همراه هیئتی به مسکو اعزام داشت که وارد مذاکره گردد. ولی مدت‌ها نتیجه‌ای حاصل نشد.^۹

اولین اقدام سیدضیاءالدین به عنوان رئیس‌الوزراء اعلان لغو قرارداد ۱۹۱۹م بود، ولی خود او بیش از سه ماه دوام نیاورد و احمدشاه او را عزل و قوام‌السلطنه را به ریاست وزراء تعیین کرد. رضاخان سردار سپه وزیر جنگ در هیئت دولت باقی ماند و توانست قیام‌های مختلف را فرو نشاند و اوضاع را آرام سازد. سردار سپه کم‌کم قدرت یافت و در رأس امور قرار گرفت و عده‌ای هواخواه یافت که به او امید بستند. احمدشاه که حریف او نبود میدان را خالی کرد و مجلس موسسان به خلع قاجاریه و سلطنت رضاشاه پهلوی رأی داد. وی در اردیبهشت ۱۳۰۵ تاجگذاری کرد. دولت‌هایی که اکنون انتخاب می‌شدند نسبت به قبل از قدرت بیشتری برخوردار بودند و توانستند اصلاحاتی انجام دهند.

در طول این مدت تجارت و شرایط اقتصادی آشفته و مردم به خصوص در شمال کشور در مضیقه بودند. تجارت برای ایران از اهمیت بسیار برخوردار بود. قبل از جنگ $\frac{۲}{۳}$ تجارت ایران در شمال کشور با روسیه بود، اما انقلاب بلشویکی لطمه بسیار عمیق به این تجارت زد.

در ۱۳۰۴ش / ۱۹۲۶م بالاخره قرارداد تجارتي که از ۱۲۹۹ش / ۱۹۲۰م بین نمایندگان روس و ایران مورد گفتگو بود به توافق انجامید ولی در مجلس ایران رد شد.^{۱۰} در ازای آن شوروی نیز ورود اجناس ایران را قدغن کرد که مصیبت بزرگی را برای تجار ایران به دنبال داشت. روس‌ها از خرید کالاهای ایرانی خودداری کردند و جلوی ورود نفت و بنزین به ایران را گرفتند. رضاشاه، تیمورتاش، وزیر دربار را برای مذاکره به مسکو اعزام داشت، ولی مذاکرات تیمورتاش نتیجه نداد و وضع بحرانی باقی ماند.

۸. مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۳، ص ۷۷.

جلد اول.

۹. همان، ج ۲، ص ۳۶۲، و ج ۳، ص ۸۵-۷۷.

۱۰. زرگر، روابط ایران و انگلیس، ص ۵۳.

روزنامه اطلاعات که همیشه به امور اقتصادی توجه داشت، در ۱۲ آبان ۱۳۰۵ش / نوامبر ۱۹۲۶م نوشت که از مذاکرات تیمورتاش در روسیه اطلاعاتی در دست نیست.^{۱۱} یک ماه بعد همچنان خبری نبود و روزنامه اطلاعات نوشت: «ما خودمان را به الفاظ مشعشع دلخوش می‌کنیم. ولی همسایه فقط به فکر استفاده خودش است».^{۱۲} و اضافه می‌کند که «تمام تجارت صفحات شمال ایران خشکبار و برنج است. یک عده کثیر فلاح و زارع و مالک و تاجر بدبخت هم از این راه می‌خواهند امرار معاش کنند، ولی با روشی که دولت شوروی اتخاذ کرده، عده کثیری نابود می‌شوند». در دی ماه وضع هنوز تغییر نکرده بود. در ۲۶ بهمن جمعیت زیادی تجار در حدود ۲۰۰ نفر در صحن بهارستان جمع شدند و با رئیس مجلس مؤتمن‌الملک دیدار کردند. در ۲۹ دی دولت مستوفی به دلیل بی‌توجهی به اصلاح تجارت استیضاح شد و استعفا داد، ولی شاه استعفای او را نپذیرفت و او تا آخر خرداد به کار خود ادامه داد. روزنامه اطلاعات همچنان نوشت که احصائیه گمرکی نشان می‌دهد که واردات نسبت به سال قبل ۳۴ میلیون کسر دارد.

در مهر ماه ۱۳۰۶ دولت مجدداً علی‌قلی انصاری (مشاورالممالک) را برای مذاکره به مسکو اعزام داشت و بالاخره در ۱۰ مهر خبر امضای معاهده اعلان و مسئله مبادلات گمرکی، تجاری و مسائل سیاسی با شوروی حل شد و به تصویب مجلس رسید. تعرفه جدید نسبت به تمام کالاهای وارداتی از شوروی و تمام کالاهایی که از طریق مرزهای شوروی و ترکیه می‌گذشت اعمال شد.^{۱۳} مدت این قرارداد ۲ سال بود و دولت ایران به دلیل اینکه موسسات داخلی قادر به تحمل فشار سیستم متمرکز شوروی و رقابت نبودند در ۳۱۰ش / ۱۹۳۱م برای حمایت از تجار ایرانی، تجارت خارجی را در انحصار خود درآورد. قرارداد بعدی با شوروی در ۵ آبان ۱۳۱۰ش / ۲۷ اکتبر ۱۹۳۱م منعقد و بر مبنای انحصار دولت ایران تنظیم شد.

رابطه با انگلستان پیچیده‌تر بود، دکتر زرگر فشارهایی را که انگلیسی‌ها در همه موارد بر رضاشاه و دولت وقت وارد می‌ساختند به تفصیل شرح داده

۱۱. روزنامه اطلاعات، ش ۶۱، ۲ آبان ۱۳۰۵.

۱۲. همان، شماره ۹۱، ۹ آذر ۱۳۰۵.

۱۳. زرگر، روابط ایران و انگلیس، ص ۱۹۱.

است.^{۱۴} این کشور چندین اهرم فشار داشت که از آن طریق می توانست دولت و تجار و در واقع امور اقتصادی را کنترل کند، چنانچه در دوره جنگ در سال ۱۳۳۵ق/ ۱۲۹۵ش/ ۱۹۱۶م عده‌ای از تجار از جمله حاجی رحیم اتحادیه را در لیست سیاه قرار داد. این فهرستی بود که انگلیسی‌ها در دوران جنگ جهانی اول تهیه کردند و شامل نام عده‌ای از تجار ایرانی و شرکت‌های داخلی و خارجی بود که با دشمنان انگلیس به خصوص آلمانی‌ها معاملاتی داشتند.^{۱۵} این تجار برای خارج شدن از این لیست می‌بایست تعهداتی امضاء می‌کردند که دست و پاگیر بود و مستلزم این بود که معاملات تحت نظارت سفارت قرار گیرد. ولی مهم‌ترین اهرم فشار بر تجار و وضع نظارت اقتصادی از طریق بانک شاهی بود،^{۱۶} تا اینکه در سال ۱۳۰۷ش بانک ملی تأسیس شد.

دولت انگلیس نسبت به هرگونه مبادله ایران با شوروی چه دیپلماتیک و چه تجارتی مشکوک بود. قبل و بعد از تغییر سلطنت مذاکرات طولانی انجام گرفت و انگلیسی‌ها با تهدید و فشار بر کابینه‌های مختلف، توانستند معاهده جامعی در ۱۳۰۷ش/ ۱۹۲۸م منعقد کنند که طبق آن تعرفه گمرکی جدید، الغای کاپیتولاسیون و استقلال گمرکی ایران را قبول می‌کردند و در ازای آن بریتانیا هم به خواسته‌هایش از جمله در مورد مسیر خطوط هوایی در امتداد کرانه خلیج فارس، به رسمیت شناختن عراق از جانب ایران و ماسجرای شیخ محمره^{۱۷} رسید.

شرایط تجارت با آلمان نسبت با روس و انگلیس متفاوت بود. سهم تجارت آلمان تا سال‌های ۱۳۱۶ق/ ۱۸۹۹م اندک بود. در خاور نزدیک^{۱۸} و ایران قدرت‌های روس و انگلیس از قبل دارای امتیازاتی بودند و به آلمان که اخیراً صنعتی شده بود اجازه رخنه نمی‌دادند. تا آغاز قرن بیستم میلادی آلمان فعالیت

۱۴. همان، صص ۱۶۲-۱۵۶.

۱۵. اتحادیه، منصوره (نظام مافی)، اینجا طهران است «فهرست سیاه ایران در جنگ جهانی اول»، چ دوم، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۹۵، ص ۳۴۰.

۱۶. زرگر، روابط ایران و انگلیس، صص ۱۶۲-۱۵۶.

۱۷. همان، صص ۲۰۳-۱۹۱.

۱۸. تا جنگ جهانی اول به این منطقه خاور نزدیک اطلاق می‌شد. اصطلاح خاورمیانه بعداً باب شد.

مستمر تجاری با ایران نداشت. به خصوص قرارداد ۱۹۰۷م دو قدرت روس و انگلیس را به هم نزدیک و علیه نفوذ آلمان متحد کرد. این زمانی بود که ایران درگیر انقلاب مشروطه، هرج و مرج داخلی، تهاجم عثمانی و سپس جنگ جهانی اول بود. پس از کودتا و به خصوص بعد از تغییر سلطنت در ایران و قدرت گرفتن مجدد آلمان زمینه برای رسوخ آن کشور در صحنه سیاسی و اقتصادی ایران فراهم شد. فاطمه پیرا که روابط ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی را مطالعه کرده، می‌نویسد: «بعد از لغو کاپیتولاسیون در ایران و پذیرش آن از جانب دولت آلمان، انعقاد قرارداد سیاسی و تجاری لازم شد، لذا معاهده‌ای در ۲۸ بهمن ۱۳۰۷ش/ ۱۷ فوریه ۱۹۲۹م منعقد شد که موجب گسترش روابط تجاری با آلمان گردید.^{۱۹} از آن پس مبادلات تجاری رشد متعادلی داشت. یکی از علل افزایش این مبادلات برقراری سریع روابط سیاسی و اقتصادی آلمان با شوروی بود، چون آلمان توانست از تسهیلات ترانزیت از طریق روسیه استفاده کند. البته این منوط به حسن نیت دولت شوروی بود، که البته به وضع جاده‌های ایران نیز بستگی داشت.^{۲۰}»

چنانکه پیرا اشاره کرده است ویژگی بازرگانی ایران در این سال‌ها آزادی تجارت و عدم دخالت دولت بود، ولی همانطور که قبلاً اشاره شد عدم توازن تجاری و سیاست انحصار تجارت شوروی، موجب شد که ایران نیز تجارت خارجی را به انحصار دولت درآورد. در دی ماه ۱۳۰۵ ورود اشیای لوکس و تجملی به ایران قدغن شد. البته بحران اقتصادی جهان که از ۱۳۰۷ش/ ۱۹۲۹م آغاز شد و ضربه سختی به تجارت جهان زد، یکی دیگر از عواملی بود که باعث شد دولت ایران تجارت خارجی را تحت انحصار خود درآورد.^{۲۱}

در مقاله‌ای درباره انحصار تجارت خارجی ایران در ۱۳۰۹ش آمده که بعد از جنگ جهانی اول ملی‌گرایی و ناسیونالیسم با شکل‌گیری اقتصاد ملی یا اقتصاد

۱۹. پیرا، فاطمه، روابط سیاسی - اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹، صص ۲۰۷-۲۰۶. ۲۰. همان، ص ۲۱۰.

۲۱. هدف تقلیل واردات و تشویق صادرات و تسهیل مبادله تهارتی بین کشورها بود. واردات بعضی اجناس انحصار دولت قرار گرفت و صادرکنندگان بالاچار می‌بایست ارزش خود را به بانک ملی بفروشد.

حمایتی دولتی ارتباط تنگاتنگ داشت.^{۲۲} در این بحران اقتصادی ورشکستگی بسیاری از صنایع و کارخانه‌جات موجب شد عده‌ای از افراد آگاه به مسائل اقتصادی و علل بحران مالی بیندیشند. به خصوص علی‌اکبر داور^{۲۳} معتقد بود که رفع بحران اقتصادی با دخالت دولت در اقتصاد انجام‌پذیر است. به طوری که نویسندگان این مقاله خاطرنشان می‌کنند با حمایت تیمورتاش وزیر دربار، قانون انحصار تجارت خارجی در ۱۳۰۹ش عملی شد.

سال ۱۳۱۰ش، مکاتبات تجار طرف معامله با اتحادیه پایان می‌یابد. حاج رحیم در این سال مدتی مریض بود، از این رو برای معالجه سفری به اروپا رفت، از آنجا همچنان با پسران خود جعفر و علی مکاتبه داشت و راهنمایی‌شان می‌کرد. شاید ناخوشی و یا شاید شرایط جدید باعث شد که کار تجارت را رها کند. همانطور که می‌دانیم حاجی رحیم در مستغلات نیز سرمایه‌گذار کرد.^{۲۴} مانند دیگر تجار به خرید و فروش زمین و امور کشاورزی پرداخت، مدتی هم به دنبال امتیازاتی بود که اشاره خواهد شد. در هر حال او در ۱۳۱۳ش فوت کرد و پسرانش حرفه پدر و پدربزرگ را ادامه ندادند.

مکاتباتی که در اینجا منتشر می‌شود مکاتبات تجاری هستند که طرف معامله با حاجی لطفعلی و حاجی رحیم بودند. اطلاعات مفیدی از وضع مالی و اقتصادی به دست می‌دهند علاوه بر اینکه شرایطی که توصیف شده را به طور ملموس تبیین می‌کنند.

حاجی لطفعلی و حاجی رحیم با عده‌ای از تجار در رشت، شیراز، تبریز، کاشان، اصفهان، قزوین، اهواز، بوشهر، کرمان، همدان، باکو، استانبول و بمبئی در ارتباط بودند و معامله می‌کردند. قبل از جنگ شرکت اتحادیه بیشتر به صرافی اشتغال داشت ولی بعد از جنگ به تجارت نیز وارد شد. بسیاری از تجار برای

۲۲. رحمانیان، داریوش و غلامرضا ظریفیان و سیمین فصیحی و شهرام غلامی، قانون انحصار تجارت خارجی ایران، ۱۳۰۹، «زمینه‌ها، اهداف و پیامدها»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام، سال ۲۱، دوره جدید، پاییز ۱۳۹۰، صص ۵۵-۲۵.

۲۳. وی در این دوره وزیر عدلیه بود و همراه تیمورتاش و نصرت‌الدوله فیروزگردانندگان سیاست‌های اوایل دوره پهلوی بودند.

۲۴. اتحادیه، اینجا طهران است، صص ۳۹۳-۳۸۵.

همدیگر نقش واسطه‌گری نیز ایفا می‌کردند. بعضی از اجناس را که اتحادیه مبادله می‌کرد از این قرار بود: برنج، چای، کاغذ سیگار، نوغان تریاک و غیره. مکاتباتی که اینجا منتشر می‌گردد حاوی مطالب گوناگون است، از جمله صدماتی که طی جنگ و انقلاب بلشویکی به تجارت ایران وارد شد. مسدود شدن راه تجارت شمال، کمبود سرمایه، کساد بازار داخلی و خارجی که به ورشکستگی عده‌ای از تجار منجر گشت. علاوه بر این باید در نظر گرفت که شرایط کشور از لحاظ سیاسی قبل از تغییر سلطنت مغشوش بود. دکتر سهیلا ترابی در کتاب "تجار، مشروطیت و دولت مدرن" این شرایط را توضیح داده است، در این کتاب آمده: «مشخصه‌های تجاری پس از جنگ جهانی اول می‌توان به برجسته شدن چند ویژگی تجاری اشاره کرد، رواج دلالی و واسطه‌گری تجار ایران برای شرکت‌های خارجی، کمبود نقدینگی، انحصاری شدن تجارت روسیه، ورشکستگی طیفی از تجار و تجارخانه‌ها، پرهیز و گریز از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی، رواج قاچاق کالا».^{۲۵}

باید افزود که پس از تغییر سلطنت هر چند آرامش تا حدی بازگشت ولی شرایط و سیاست‌های جدید و دخالت‌های دولت در امر تجارت به مرور آزادی عمل تجار را سلب کرد و مسیر سنتی و قدیمی تجارت را تغییر داد.

یکی از نکاتی که از این مکاتبات می‌توان استنباط کرد مشکل حمل و نقل جنس است که هم از طریق سنتی با قاطر و شتر و هم با اتومبیل باری و حتی اتوبوس انجام می‌گرفت. یک بار از اصفهان نوشتند که چون مکاری عازم تهران نبود، لذا جنس را با گاری فرستادند. در ۲۰ شعبان ۱۳۴۵ ق حاجی آقا کوچصفهانی برای اتحادیه از رشت ۶ کیسه (عدل) حصیر و ریسمن کشیده، برنج صدری، ۱۳ من شاه به مبلغ ۱۸ تومان وجه، ضمیمه ۲۱ تومان پسرکرایه، توسط اسکندر شتردار تبریزی به تهران ارسال داشت؛ ولی این محموله تا ماه شعبان نرسید. در ۲۷ شعبان کوچصفهانی خبر داد که مجدداً ۶ کیسه، ۱۰۲ من شاه و ۹ درم برنج صدری را با اتوبوس نمره ۶۸۹ کرمانشاه به کرایه خروار ۱۴ تومان ده هزار دینار به شرط ۶ روز فرستاده بود.

۲۵. ترابی فارسانی، سهیلا، تجار، مشروطیت و دولت مدرن، ج دوم، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۹۷، ص ۴۳۴.

دیگر از نکات قابل توجه این است که تجار مطلب را در چندین نامه تکرار می‌کردند، شاید به این دلیل که نامه گاه نمی‌رسید یا لازم بود تکرار کنند تا طرف ترتیب اثر داده دستور را اجرا کند.

نکته قابل تأمل این مکاتبات شرایط بد تجار و تجارت است که قبلاً به دلایل آن اشاره شد. با مسدود شدن راه روسیه تجار با خطر ورشکستگی روبرو بودند، در حالی که بازار تهران نیز بسیار کساد بود و بحران و کمبود همه نوع امته اعم از داخلی و خارجی در همه کشور رایج بود. کوچصفهانی از رشت نوشت که به واسطه سختی اوضاع که روس‌ها اجازه تجارت نمی‌دهند، اطمینان به کل از میان رفته و هر روز یک نفر اظهار افلاس می‌کند. حاجی رحیم در رشت تعدادی دکان داشت ولی چون مستأجرین کرایه نمی‌دادند و چند باب آن خالی بود می‌خواست آنها را بفروشد ولی مشتری پیدا نمی‌شد.

ارتباط حاجی لطفعلی و حاجی رحیم با شیراز بیشتر امور صرافتی بود که از قدیم مشغله اصلی آنها بود. اکنون نیز علی‌رغم نقش بارز بانک شاهی که همیشه بزرگترین رقیب بود، صراف‌ها و تجار همچنان به کار خود ادامه دادند. اینها همیشه از اعتبار بسیار برخوردار بودند ولی در این وقت که وضع بد بود بعضی‌ها بدحسابی می‌کردند و طلب‌ها همیشه به سختی وصول می‌شد. چنانچه محمدجعفر شیرازی به اتحادیه تلگراف کرد که پانصد و پنجاه تومان تلگرافی به جعفرآقا جهرمی ارسال کرده و از او خواست که به «هر قسم باشد» از او دریافت دارد و اضافه می‌کند که اگر جنس خریده «عین جنس را تصرف» کند و اگر جنس نخریده «جهت مصالحه چیست؟» این مسئله در چندین نامه تکرار می‌شود و واضح است که جهرمی تعلل می‌کرد چون نمی‌توانست پول را بپردازد و بعد از دو ماه هنوز پرداخت نشده بود و برات نکول شد. محمدجعفر از اتحادیه خواست با جهرمی قانوناً سوال جواب شود. بعداً جهرمی ۲ عدد برات بی محل فرستاد که مرجوع شد.

همکاری تجار و صراف‌ها و اعتماد متقابل اساس قدرشان بود که شاید تا حدی جبران رقابت خارجی را می‌کرد. اینها مظنه ارز خارجی را به یکدیگر اطلاع می‌دادند تا به موقع خرید و فروش کنند، تنزل و ترقی قیمت پول خارجی مانند پوند و روپیه را اطلاع می‌دادند چون برای تجار و صراف‌ها لازم بود هر چه

زودتر مطلع گردند. تجار نماینده همدیگر می شدند که در داد و ستد بسیار ضروری بود. یک بار از شیراز به اتحادیه نوشتند، اجناسی که باید حمل تهران شود باید از طریق اصفهان و چون اتحادیه در اصفهان شخصی را معرفی نکرده جنس را توسط حاجی محمدحسین کازرونی فرستاده بودند.

وضع بازار تبریز هم بد بود. یوسف صراف می نویسد: «خودتان ملاحظه فرمایید در این موقع به برات تلگرافی در عرض ۴۰ یوم رسید نیامده باشد، انسان در چه حد ضایع می شود». و اینکه «در این موقع یک هزار تومان به انسان کار ده هزار تومان دارد». گاه تجار درگیر نزاع بین همکاران می شدند و از یکی از تجار می خواستند حکمیت کنند.

به طور کلی به نظر می رسد که مبالغی که رد و بدل می شد مبالغ نسبتاً کمی بود که حاکی از ضعف مالی تجار، اختلال در شرایط تجارت و محدودیت های ناشی از قوانینی جدید بود. ولی امکان دارد که معاملات کلان تر از طریق بانک شاهی و استقراضی انجام می گرفت، چون تا قبل از بانک ملی در سال ۱۳۰۷، به خصوص بانک شاهی معاملات دولت را انجام می داد و با تجار نیز داد و ستد داشت.

چنانچه اشاره شد شرکت اتحادیه به تجارت هم می پرداخت ولی مقدار جنسی که وارد می کردند محدود بود که بدون شک از روی احتیاط بود تا معامله مقرون به صرفه باشد.

تعدادی از نامه ها در این مجموعه که مربوط به بعد از جنگ اول جهانی است، ترجمه مکاتبات حاجی رحیم اتحادیه است با شرکت های خارجی. این نامه ها حاکی از این است که اروپاییان به بازار ایران توجه داشتند و در پی یافتن شریک و طرف معامله بودند. واضح است که وضع اروپا نیز بد بود، چنانچه نوشتند، اشکالات در پایان جنگ باعث فلج موقت عمومی در اروپا و قفقاز شده است. همه گونه پیشنهاد خرید و فروش جنس به اتحادیه می رسید، حمل و نقل، تجارت روده، پوست، انواع پارچه، کبریت، سیگار، لباس دوخته و معاملات صرافانی. در یکی از نامه ها از کسادی بازار فروش نوشتند که «تجار آمریکایی در این روزها طالب خرید نیستند ... بازارهای فرانسه نیز تقریباً بسته شده است ... در خود انگلستان بازار بی اندازه سست و کساد شده است».

اصولاً وضع بد اقتصادی کشورهای اروپایی بعد از جنگ تأثیر مستقیم در وضع تجارت داشت، چنانکه نوشتند که در انگلستان «امورات تجارتنی حسب العادة قدری سست خواهد شد و نیز ترس این است که به واسطه مسئله ذغال در انگلستان یک بلوای دیگر بشود...» در نامه دیگر هفته بعد نوشتند که «اگر خدمتی در مسائل و امورات تجارتنی در این مملکت داشته باشید با کمال امتنان در انجام آن حاضریم» و اضافه کردند که صورت مظنه جات و راپورت هفتگی بازار را ارسال خدمت می‌داریم و سپس امکانات حمل و نقل کالا را توضیح می‌دهد.

علی‌رغم همه مشکلات، تجار به فعالیت خود ادامه می‌دادند.^{۲۶} در مهر ۱۳۰۳ش حاجی رحیم و پسرش جعفر به همراه میرزا حسین منشور شرکت سهامی تشکیل می‌دهند که اساسنامه آن بین این مکاتبات موجود است. سرمایه شرکت ده هزار تومان مسکوک یا یک صد هزار قران بود. هر یک از شرکاء ۲۵٪ سهم داشتند و ۲۵٪ نیز برای فروش ارائه شده بود. مقصود از ایجاد شرکت صادرات امتعه ایران به خارجه و واردات امتعه خارجه به ایران بود. ولی از سرنوشت این شرکت اطلاعی در دست نیست. امکان دارد که با شرایط آن زمان دوامی نیاورد.

همزمان شرکت اتحادیه به فکر اخذ امتیاز چراغ برق افتاد. اولین تقاضای او خطاب به وزارت فواید و عامه و تجارت در ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۴۲ق/ ۱۵ دی ۱۳۰۲ بود. وزیر وقت، تیمورتاش سردار معظم خراسانی در کابینه سردار سپه بود. جواب وزارت‌تخانه این بود که قبل از اتحادیه شخص دیگری این تقاضا را کرده. بار دیگر اتحادیه تقاضای امتیاز چراغ برق سلطان‌آباد عراق و آنگاه بارفروش را کرد و همان جواب را دریافت نمود. ظاهراً تقاضا زیاد بود چون

۲۶. دو معاملات نافرجام اتحادیه جالب توجه است، به خصوص استقامت و کوشش او برای به ثمر رساندن این معاملات نمونه زحمتی است که تجار در شرایط سخت می‌کشیدند. معاملاتی که در کتاب «اینجا طهران است» توضیح داده شده است و نیز ماجرای اجاره مالیات توتون و تنباکو کردستان در ۱۳۳۳ق و ورود بعضی اشیاء از جمله عطریات، قماش، پوست، عینک و غیره از پاریس مضافاً دال بر این است که تجار با چه مشکلاتی مواجه بودند. رک: اتحادیه، اینجا طهران است، مقاله مسائل صرافی و تجارت در آغاز قرن ۱۴ق.

جواب دادند که «نظر به اینکه تقاضاهای گذشته مدت‌ها در کمیسیون مجلس می‌ماند»، تصمیم گرفته شد که شرایط اولیه امتیاز چراغ برق به طور لایحه به تصویب مجلس برسد. یک نسخه از شرایط امتیاز نیز برای اتحادیه ارسال شد و جزء اسناد موجود است. ولی از آنچه از این مکاتبات می‌توان استنباط کرد این بود که اتحادیه موفق به دریافت انحصار کارخانه برق نشد.

در سال ۱۳۰۲ش اتحادیه سعی کرد که امتیاز کارخانه شیمیایی را اخذ و در ۱۳۰۵ش به فکر کارخانه سمنت‌سازی افتاد ولی هیچ کدام موفق‌آمیز نبود.

در سال ۱۳۱۰ش حاج رحیم اتحادیه مریض می‌شود و برای معالجه به بیروت می‌رود. در ۲۱ فروردین ۱۳۱۰ش / ۱۱ آوریل ۱۹۳۱ وی می‌نویسد که مداوا در بیروت مفید نبود به فرانسه می‌رود. بعداً در چند نامه از حال خودش اطلاع می‌دهد ولی بیشتر به مسائل مربوط به کارهای رایج می‌پردازد و پسرانش را راهنمایی می‌کند.

وسعت و تنوع کسب و کار و حیطه معاملات اتحادیه از نامه‌هایی که هنگام سفر اروپا به پسرانش نوشته بیشتر مشخص می‌شود که از یک سو نشانه ابتکار و تلاش خستگی‌ناپذیر او است که بر اساس تجربیاتش استوار است. از سوی دیگر شاید هسته اصلی تفکر و روحیات تجار آن عصر را نشان می‌دهد که در بازاری بی‌ثبات و متغیر پی سود و پیشرفت و رقابت بودند و لحظه‌ای از کند و کار نمی‌ایستادند. این چند نامه نشان می‌دهد در تمام طول سفر که اتحادیه در حال معالجه بود، در فکر معاملات و کسب و کار خود در ایران نیز بود، از وضع بازار فرش اروپا می‌نویسد، کاغذ و پاکت آدرس‌دار می‌خواهد که راحت‌تر مکاتبه کند، همراه خود سنجاب و سجاده و انگشتر قیمتی برای فروش به اروپا می‌برد. در ۱۱ آوریل ۱۹۳۱ از پاریس نامه‌ای برای پسران خود می‌نویسد و پس از شرح روند معالجه بیهوده در بیروت، موافقت خود را با تصمیم آنها در خصوص اجاره دادن ساختمان - مشخص نیست کدام ساختمان - اعلام می‌کند و می‌افزاید «خودتان هم بسنجید». سپس اضافه می‌کند، «هر قسم مقدر باشد عین صلاح است».

در مورد خرید اسعار^{۲۷} سفارش می‌کند که باید ملاحظه کنند. در خصوص

اجاره دادن یونجه‌زار در فرحزاد خاطر نشان می‌کند که مراقب باشند «دهاتی‌ها بد ذات هستند و تو سر ملک می‌زنند». ظاهراً پسران معامله اسعار کرده بودند، درباره آن نظرش این بود که بیست و پنج هزار که صحبت کرده بودند مغموم خواهند شد ولی برای «حفظ قول شما این ضرر هم روی ضررهای دیگر».

چند روز بعد در نامه دیگری علی آقا، پسر دوش را سرزنش می‌کند که در غیاب او خیال مسافرت تفریحی دارد و از حجره و خانه غفلت می‌کند. سپس تأکید می‌کند که «از منسوبان احتراز نموده به کارها و املاک دخالت ندهید که «من مکرر امتحان نموده‌ام، ابداً علاقه به من، به کار من و به شرافت خود ندارند». پسران درباره فروش اراضی جلالیه خبر داده بودند که خریدار نداشت. اتحادیه در جواب می‌نویسد: «فروش اراضی همیشه به یک حال نمی‌ماند. مکرر نوشتم عجله نکنید باز هم طالب خواهد شد. در موقعی که مشتری پیش شما آمد به صحت بفروشید و الا فروشنده نباشید.»

به نظر می‌رسد که حاجی رحیم زیاد به کارآمدی پسران در این وقت اعتقاد نداشت چون تمام مدت کارها را خود تحت نظر داشت و سفارش می‌کرد که در کارها جدی باشند، هر هفته یا ده روز به بانک شاهی سر بزنند و رئیس را ملاقات کنند و سعی کنند از حسابش کم‌کم بدهند. ایام تعطیل به املاک سرکشی و رسیدگی کنند. در ضمن «گردش هم بکنید که بلاصاحب ندانند». ظاهراً پسران به پدرگله کرده بودند که در باب اجاره و فروش، آنها را خیلی محدود کرده بود، اما اتحادیه جواب می‌دهد، «اجازه گرفتن از من یا ۵۰ تومان مخارج تلگراف یا ۳۵ روز مدت لازم دارد. ۵۰ تومان ضرر بهتر از پانصد تومان است، و انگهی ۳۵ روز اهمیت ندارد مشتری واقعی صبر خواهد کرد. علاوه بر این پست هوایی فقط ۱۲ الی ۱۵ روز است». سپس دل‌داری می‌دهد که «از این بابت مکدر شده‌اید ولی به چشم بصیرت و عقلانی ملاحظه نمایید. عزت شما در محدود بودن است که پیش همه دوست و دشمن وزنی خواهید داشت و یک پشتیبان دارید. اگر بشر در عالم تمدن هر کس به قدر خود محدود نباشد، دیگر پیغمبر و اولیا و علما و حکما و فلاسفه و این همه قانون و پارلمان و کتاب آسمانی، قوه مقننه و مجریه برای چه لازم است، فقط محدود نمودن انسان است». این نصایح را ادامه می‌دهد و به این مثل معروف اشاره می‌کند که «ضرر فهمیده بهتر از نفع نفهمیده است» و

اضافه می‌کند: «امیدوارم این نصایح مرا فراموش نکنی که فوائد زیاد عاید شما خواهد داشت، گرچه می‌دانم فعلاً در مذاق شما تلخ است».

حاجی رحیم از سفر اروپا مراجعت کرد و همچنان مریض احوال بود. وی در ۱۳۱۳ش فوت کرد و همانطور که اشاره شد پسران ارشد حجره را تعطیل و کارهای او را ادامه ندادند.

مقدمه

در دوره ناصری و مظفّری بخش مهمی از تجارت ایران در دست تجار خارجی بود. برخورداری از امتیازات و معافیت‌های مالیاتی راه را برای تجارت اتباع خارجی هموار کرد. بسیاری از تجار ساکن جنوب روسیه به تجارت در ایران پرداختند. از شرکت‌های خارجی که در دوره مظفّری در ایران فعالیت داشتند می‌توان از موسسه بهره‌برداری از سرمایه‌داران، سندیکای آسیایی انگلیس، کمپانی ایران و فرانسه و غیره نام برد.

در بخش شیلات تجارت ایران به صورت انحصاری در دست کمپانی روس و لیانازوف بود. در سال ۱۲۹۳ق حاج میرزا حسین خان سپهسالار، وزیر امور خارجه وقت برای سامان دادن به شیلات دریای مازندران و کسب منبع جدید درآمدی برای دولت، شیلات بحر مازندران را به مدت ۱۰ سال از ناصرالدین شاه اجاره کرد. در جمادی‌الاول همین سال استپان مارتین لیانازوف، بازرگان ارمنی روسی، شیلات مذکور را از مشیرالدوله اجاره نمود. طول مدت این قرارداد ۵ ساله و قابل تمدید بود. وسایل مورد نیاز لیانازوف برای صید ماهی که حوزه آستارا تا اتراک را در برمی‌گرفت از پرداخت حق گمرکی معاف بود.

علاوه بر شیلات، تجار روسی از طریق دریای مازندران و نیز از طریق خشکی با شهرهای شمالی ایران مبادلات تجاری داشتند.

تجار ایرانی اکثریت به عمده‌فروشی می‌پرداختند، ولی معمولاً در تجارت کالای خاصی تخصص نداشتند و در صورت لزوم به تجارت و مبادله کالاهای گوناگون و نیز به صرافیه می‌پرداختند. فعالیت عمده تجار، صدور تریاک، پنبه،

ابریشم، خشکبار و مواد غذایی به کشورهای مثل روسیه، عثمانی و برخی کشورهای اروپایی و وارد کردن قماش از منچستر و قند و شکر و چای از روسیه و بمبئی بودند.

برای تجار تمایزی بین تجارت و صنعت وجود نداشت و بسیار دیده می شد تجار در کنار تجارت به سرمایه گذاری در صنعت نیز پردازند. تجار بزرگ و متوسط همچنین گرایش به سرمایه گذاری در املاک زراعی و زمین داشتند و بخشی از سرمایه خود را در زمین سرمایه گذاری می کردند. ویژگی دیگر تجار نسبت به سایر اقشار بازار این بود که تجار به طور کلی از پرداخت مالیات رسمی به دولت معاف بودند.

از خانواده های تاجری که به امر صرافی هم اشتغال داشتند می توان به حاجی محمدحسن امین الضرب، حاجی آقا کریم اف، حاجی محمد معین التجار، ارباب جمشید از ایرانیان زرشتی و خانواده اتحادیه اشاره کرد.

در سال ۱۳۰۵ق شرکت اتحادیه با همکاری محمدباقر امین الضرب و حاجی علی کوزه کنانی در تبریز با هدف صرافی کار خود را آغاز کرد. بعد از محمدباقر، پسرانش حاجی لطفعلی و حاجی رحیم در تهران و حاجی علی اکبر در تبریز کار پدر را ادامه دادند. در سال ۱۳۱۶ق شراکت این دو برادر با حاجی علی کوزه کنانی به هم خورد،^{۲۸} و این بار برادران با هم شرکت اتحادیه را تشکیل دادند به این صورت که حاجی لطفعلی و حاجی رحیم در تهران از طریق حاجی علی اکبر با تبریز ارتباط داشتند.

حاجی لطفعلی از تاجر - صرافان شناخته شده تهران بود و سعی داشت همانطور که با تجار داخل مملکت در ارتباط است، با دول خارجی هم روابط تجاری و صرافی برقرار کند. در این دوره تجارت خارجی ایران بیشتر با روسیه و انگلستان و هند و درصد کمی هم با کشورهای اروپایی و عثمانی بود، به طوری که حدود ۸۵٪ منسوجات وارده به ایران از روسیه و انگلستان و هندوستان

۲۸. قرارداد شراکت غالباً برای مدت معین مثلاً ۶ ماه، ۲ سال و یا ۵ سال منعقد می شد و بعد از اتمام مدت آن را تمدید می کردند. این دوره شراکت اتحادیه ۱۵ سال دوام داشت. رک: جمالزاده، محمد علی، گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۷۶، ص ۹۵.

بود.^{۲۹} راه تجاری روسیه به ایران از دو طریق دریایی و زمینی بود. از طریق دریایی از بنداری همچون حاجی طرخان، باکو، انزلی به رشت می‌رفتند. مال‌التجاره‌هایی که از انگلستان وارد ایران می‌شد از راه بصره و بغداد و سرحداد غربی ایران بود که از این طریق به کرمانشاه و همدان و بروجرد می‌رفت. بنادر خلیج فارس مسیر دیگری بودند که منسوجات از هند و کشورهای دیگر وارد ایران می‌شد. قسمت عمده منسوجات، چلوار و چیت‌های گلدار بود به اضافه فاسونی و ماهوت پشمی که بخشی از آنها از آلمان و اتریش می‌آمدند.

بعد از منسوجات، قند و چای مهم‌ترین مال‌التجاره بود که وارد ایران می‌شد. قند از روسیه و چای از هندوستان می‌آمد. در اسناد مربوط به بوشهر و بمبئی ملاحظه می‌شود که مال‌التجاره‌های گوناگون در کنار چای و برنج و منسوجات با همکاری تجارخانه اتحادیه و از طریق دریایی وارد بندر بوشهر و از آنجا از طریق زمینی (شیراز، اصفهان) به نقاط مختلف مملکت حمل می‌شدند.

و اما صادرات ایران شامل چه محصولاتی می‌شد؟ مهم‌ترین محصول صادراتی ایران پنبه بود که تقریباً در تمان نواحی مملکت و مخصوصاً در ولایات مرکزی و در خراسان به عمل می‌آمد و عمدتاً بیشتر آن به روسیه و بخش کمی به هندوستان و عثمانی صادر می‌شد. حاجی کریم‌اف در نامه مورخ ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۴۵ق به حاجی رحیم پیشنهاد خرید پنبه ابریشم و حمل آن به بازارهای روسیه را می‌دهد. علاوه بر پنبه، فرش نیز به کشورهای اروپایی صادر می‌شد.

میوه‌های صادراتی ایران عبارت بودند از کشمش، بادام، پسته، گردو و فندق که به صورت خشکبار صادر می‌شد. به عنوان مثال پرتقال و لیمو به هندوستان و انگلستان و روسیه صادر می‌رفت.

از دیگر محصولات تجارתי ایران تریاک بود، کشت خشخاش از زمان صفویه مورد توجه بوده و حتی بخشی از املاک خاصه سلطنتی در این دوره به کشت خشخاش اختصاص داشته است.^{۳۰} در دوره قاجار کشت خشخاش همچنان ادامه داشت و علاوه بر مصرف داخلی بخش قابل توجهی از آن به اروپا

۲۹. جمالزاده، گنج شایگان، ص ۱۲.

۳۰. کمپفر، انگلبرت، سفرنامه، ترجمه: کیکاووس جهانداری، بی‌نا، تهران، ص ۱۱۲.

و عثمانی و در شرق نیز به هندوستان و افغانستان صادر می شد. باراندازهای مهم تریاک یزد، اصفهان، فارس بود.^{۳۱} کشت این محصول بعد از اینکه بیماری پیرین در میان کرم ابریشم ایران شیوع یافت، گسترش پیدا کرد و تجارت آن از سال ۱۲۸۲ ق احیا شد. شهرهایی که در آنها تریاک به عمل می آمد عبارت بود از اصفهان، شیراز، تبریز، خوانسار، کرمان، یزد، خراسان، کازرون، شوشتر، کرمانشاه، بروجرد و همدان.

موقعیت اقتصادی ایران به مسائل سیاسی و اقتصادی روسیه و هندوستان و اروپا بستگی داشت به طوری که با افول تجارت این نقاط صادرات ایران نیز کاهش می یافت و این یکی از دلایلی بود که تجار به امور صرافی نیز اشتغال داشتند.^{۳۲} صرافی از مشاغل قدیمی و مهم در امر تجارت بود و از دیرباز سابقه دارد، به طوری که در بازارهای بزرگ رسته‌هایی به صرافان اختصاص داشت. تا قبل از تأسیس بانک در ایران امور بانکی بر عهده صرافان بود.

در دوره قاجار واحد پول رایج ایران قران بود اما واحدهای دیگری نظیر شاهی، دینار و تومان و غیره نیز در معاملات استفاده می شد. [برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به پیوست ۲].

اسکناس و سکه‌هایی که در یک شهر چاپ و ضرب می شدند، تنها در شهری که چاپ می شد قابلیت خرج کردن داشت، از این رو صرافان حلقه اتصال تجارت در شهرهای مختلف بودند. آنها از طریق برات، حواله، بیجک و اوراق بهادار دیگر نه تنها باعث حمل و نقل پول در جاده‌ها و راه‌های بی امن نمی شدند، بلکه انتقال پولی از جایی به جای دیگر را سهل تر می کردند. اسکناس‌هایی که توسط بانک شاهنشاهی منتشر می شد، واحدهای ۱، ۲، ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ تومانی بود.

تجارتخانه اتحادیه با تجارتخانه‌ها و تجار مختلف در ارتباط بود که سهم غرب ایران بیشتر است. منظور از غرب ایران، آذربایجان، قزوین و زنجان است. شهرهای مرکزی ایران مثل اصفهان، کاشان و اراک از این ارتباط بی نصیب

۳۱. رک: رنجبر، محمدعلی و مهدی دهقان حسام‌پور، جایگاه تریاک در تجارت خارجی ایران در دوره قاجار (۱۳۳۴ - ۱۲۱۰ ق)، مطالعات تاریخ اسلام، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان

۳۲. رک: اتحادیه، صرافی و صرافان.

نبودند، اما متأسفانه شرق ایران یعنی خراسان و سیستان و بلوچستان تقریباً هیچ ارتباطی با تجارتخانه اتحادیه نداشتند یا لاقلاً سندی از این ارتباط موجود نیست. عدم ارتباط با شرق را می‌توان در دلایل چندی جست، از جمله آشنایی حاجی لطفعلی با تجارت غرب و روسیه به خصوص آنکه تجارت با روسیه و عثمانی در ترقی شهرهای غربی و شمالی که حاج لطفعلی مدتی در آذربایجان و روسیه با آنها آشنا شده بود، نقش مهمی داشت.

در اسفند ۱۳۰۹ش به موجب قانون، دولت انحصار بازرگانی خارجی کشور را به دست گرفت از این رو فعالیت‌های اقتصاد تجاری دچار دچار رکود شد، در این دوره شرکت اتحادیه تلاش داشت در بخش چراغ برق امتیاز تأسیس آن را در شهرهای مختلف از دولت اخذ کند. نامه‌های تبادل شده در فصلی جداگانه آمده است. در این سال‌ها شرکت اتحادیه همچنین به دنبال راه‌اندازی اولین کارخانه شیمیایی در ایران بود، مکاتباتی با روس‌ها انجام و مبالغی از سوی شرکت اتحادیه پرداخت می‌شود، ولی چون اسناد مربوط به این فعالیت کم است از سرانجام این کارخانه اطلاعی نداریم.

قراردادی نیز میان حاج رحیم و آقا میرزا حسین‌خان منشور و جعفر آقا اتحادیه برای تأسیس کارخانه سمینت‌سازی منعقد شد. در خصوص نحوه کار و وظایف مجریان طرح با وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه مکاتبه شد اما از سرانجام این فعالیت نیز اسنادی موجود نیست و هر آنچه سند موجود بود در فصل مربوط به اسناد سمینت‌سازی آمده است.

نحوه خواتش اسناد

کتاب حاضر در دو بخش تنظیم شده است، بخش نخست مکاتبات و نامه‌های سال‌های ۱۳۵۰ - ۱۳۳۶ق/ ۱۳۱۰ - ۱۲۹۶ش/ ۱۹۳۱ - ۱۹۱۸ را در برمی‌گیرد و بخش دوم حاوی برات‌هایی است که میان شرکت اتحادیه و تجار طرف معامله با آنها مبادله شده است و مدت طولانی‌تر را در برمی‌گیرد. در کتاب صرافی و صراف‌ها به تفصیل درباره برات و کارکرد آن توضیح داده شده است و با این حال به نحوه استفاده و نیز به تحلیل آنها در مقدمه بخش دوم به اختصار اشاره شده است.

در خوانش اسناد سعی شده در هر فصل اسناد بر اساس نام تجارتخانه و تاجر و به ترتیب تواریخ قرار گیرند، اصطلاحات نامأنوس و غیرمعارف تجاری در جدولی جداگانه تعریف شده‌اند که در پیوست ۳ آمده است. غلط‌های املائی در متن تصحیح شده اما برای آشنایی با نوع نگارش نثر نامه‌نگاری در دوره قاجار در پاورقی اصل آن آمده است.

تجار برای نگارش اعداد از سیاق استفاده می‌کردند، در اسناد پیش‌رو نیز اعداد در بسیاری از موارد به حروف نوشته و در بالای عبارت عدد سیاقی به صورت کامل و در زیر عبارت نصف آن به سیاق نوشته شده، در خوانش اسناد هر جا اعداد به سیاق آمده بود، اعداد را به رقم آورده‌ایم. از دیگر خصوصیات نگارشی این اسناد، نوشتن ماه‌های ربیع‌الاول، ربیع‌الثانی، جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی به صورت ع ۱، ج ۲، ح ۱، ج ۲ است که ما به صورت صحیح آورده‌ایم.

در حواله‌ها و بروات زمانی که قرض گیرنده و نقدکننده برات نیامده و مشخص نیست که نگارنده نامه کیست، از عبارت "نگارنده نامه" یا "صاحب مهر" استفاده شده است. کلماتی که قابل خوانش نبودند به صورت سه نقطه (...) آمده است. در برخی از اسناد نیز کلماتی نیامده بود و جای آنها را خالی گذاشته بودند که به صورت [...] از قسمت‌هایی که ناخوانا بودند تمیز داده شده‌اند.

جدول تهیه شده در بخش دوم به صورتی است که تا حد امکان گویای محتوای نامه‌ها باشد. چند نامه که محتوای مبهم داشتند و خلاصه شدن آنها در جدول به طور گویا بیان نمی‌شد، در پاورقی به طور کامل آمده است. قراردادهای تجاری در پایان جداول مربوط به بروات و حواله‌ها تحت عنوان "قراردادهای تجاری شرکت اتحادیه با تجار مختلف" تعریف شده است.

در دسته‌بندی اسناد سعی شده تا حد امکان تجار شناسایی شوند و در تقسیم‌بندی ایالتی قراگیرند، بعد از اینکه تجار به تفکیک شهر از هم جدا شدند، بر اساس تاریخ صدور دسته‌بندی شده است. در بسیاری از اسناد مبدأ صدور برات و حواله و به دیگر سخن محل صدور آنها مشخص نشده و تنها به ذکر نام تاجر اکتفا شده است. در برخی نامه‌ها هم اسمی از تاجر و صادرکننده سند تجاری نیامده، اما ممه‌ور به مهر تاجر یا ضامن می‌باشد، درباره این نوع اسناد

تفکیک و شناسایی سند کمی مشکل بود، به طوری که محتوای شبیه به هم داشتند اما مهرها متفاوت بود، مثلاً نام "محمداسماعیل" به چند صورت روی مهر حک شده و شکل مهرها متفاوت است، در این موارد برای دقت در کار، اسناد از هم تمیز داده شده است.

نامه‌های تجاری مربوط به تجار ارمنی و زرتشتی در جدولی جدا آمده است. اسناد مربوط به معاملات با تجارتخانه‌های اروپایی اکثراً به زبان آلمانی، فرانسوی و انگلیسی هستند و معدودی هم به زبان روسی اند، این نامه‌ها در زمان وصول بر حسب نیاز ترجمه شده و در حاشیه آنها نوشته شده است، ترجمه کننده تنها قسمت‌هایی از نامه را که نیاز بوده ترجمه کرده است، در اینجا نیز به ترجمه بر جای مانده اکتفا شده است.

مکاتبات تجاری بر اساس تفکیک ناحیه جغرافیایی عبارتند از:

شمال: رشت

غرب و شمال غربی: آذربایجان، قزوین، زنجان، استانبول و باکو

جنوب و جنوب شرقی: فارس و اهواز و بمبئی

مرکز: اصفهان، همدان و کاشان

و مکاتبات اروپا

تحلیل اسناد

اسناد تجاری رشت مکاتبات حاجی آقا کریم‌اف کوچصفهانی با حاجی رحیم اتحادیه و شامل ۴۹ سند طی ۲۶ شعبان ۱۳۴۴ق تا ذی‌حجه ۱۳۴۷ق می‌باشد. عنوان سربرگ ۱۰ نامه اول "حاجی آقا کریم‌اف" است، اما از تاریخ ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۴۵ق به بعد به نام "حاجی آقا کوچصفهانی" تغییر می‌کند این در حالی است که امضا و مهر انتهای نامه‌ها تغییری نکرده است.

حاجی آقا کوچصفهانی معروف به کریم‌اف داماد میرزا خلیل رفیع، اولین شهردار رشت بود، کریم‌اف تاجر رشت بود و با باکو تجارت می‌کرد و اولین کسی بود که تلفن را به رشت آورد. از نامه‌های تجاری او با حاجی رحیم چنین برمی‌آید که حاجی رحیم معمولاً برنج و ماهی ارتزاقی خود را توسط حاجی کریم از رشت تهیه می‌کرد. حاجی کریم معمولاً برنج‌ها را باگاری یا اتومبیل و با

گونی و ریسمانی با نام اتحادیه باکرایه معمولاً ۱۶ تومان به تهران ارسال می‌کرد.

حاجی کریم در نامه‌ها از نحوه تجارت بندرپهلوی [بندرانزلی] با بادکوبه به حاجی رحیم اطلاع‌رسانی می‌کرد. در نامه ۴ رمضان ۱۳۴۴ق درباره وضعیت تجاری می‌نویسد: «در رشت هم امور اقتصادی به کلی از جریان افتاده تا بعد چه شود. خداوند به زودی موجبات اصلاح و رفاه حال عامه فراهم فرماید».

آهن سیاه، آهن سفید و شیشه از بادکوبه خریداری و از طریق حاجی کریم از رشت به تهران ارسال می‌شد. اقلام برای حمل به ایران به اجازه‌نامه‌چه دولتی نیاز داشتند که این اجازه‌نامه‌چه در اختیار برخی از تجار قرار می‌گرفت. برای حمل آهن سفید آقا میرزا اسماعیل حدادزاده با اجازه‌نامه‌چه‌ای که برای حمل کالاهای تجاری در اختیار داشت، آهن سفید را از بادکوبه به پهلوی و از آنجا به رشت حمل و ارسال می‌کرد. در رشت حاج کریم آنها را تحویل گرفته به تهران می‌فرستاد. معمولاً هزینه خرید آهن به وسیله تلگراف برات چرونس حواله می‌شد، مظنه کالاها در هر نامه می‌آمد به این منظور که تاجر برای خرید یا عدم خرید آن تصمیم بگیرد. طی سال‌های ۱۳۵۵ش / ۱۹۲۵م که اوضاع اقتصادی دچار رکود شد، حاج کریم‌اف از فروش آهن‌های وارده به رشت ابراز ناامیدی و عنوان می‌کند: «در رشت فروش آنها به حکم امروز امکان ندارد، طالب نیست» آنها را از طریق اتومبیل‌رانی آمپورت باکرایه خرواری ۱۵ تومان به انضمام ۸۰ تومان پسکرایه روانه تهران می‌کند.

تماج نیز از ایران به بادکوبه حمل می‌شد، به این صورت که حاج کریم با اجازه‌نامه‌چه‌ای که از طرف حاج رحیم داشت، آنها را در رشت تحویل گرفته به بندر پهلوی نزد آقای میرزا عبدالله رسول‌زاده و از آنجا به بادکوبه ارسال می‌کرد، در بادکوبه هم حدادزاده تحویل می‌گرفت و به مقصد می‌رساند.

از دیگر اطلاعاتی که در نامه‌ها مبادله می‌شد مظنه خرج برات و وضعیت بازار و تجارت بود. ارسال و دریافت پول از طریق شبکه ارتباطی سنتی حواله کردن و برات دادن صورت می‌گرفت. اطلاعات مربوط به حواله و برات در ابتدای نامه و بعد از عبارت آغازین «خدمت جناب مستطاب عمدةالتجار و الاعیان افتخارالحاج آقای حاج رحیم آقا تاجر معروف اتحادیه و پسران دام

اقباله» به این صورت می‌آمد: «توسط ابراهیم‌اف، طهران، اتحادیه، ۷۵۰ تومان ۳ روزه بدهید» و یا «برات تلگرافی حواله شد»، «در رشت برات طهران تومانی یکصد دینار صرف می‌خواهند»، «محمدرضا ابراهیم‌اف وجه رشت داشت، تومانی یک شاهی صرف محسوب شد». این نوع فعالیت اقتصادی مؤید آن است که فعالیت تجارتخانه اتحادیه بیش از آنکه تجاری باشد، صرافی بود.

علاوه بر تجارت و صرافی، حاجی رحیم چندین دکان و زمین در رشت داشت، «چرا که در این بخش خطر کمتری سرمایه آنان را تهدید می‌کرد. چون نیازی به کارشناسی و تخصص ویژه نداشت، مطمئن و متداول بود و همچون سرمایه‌گذاری در صنایع به تحقیق و کسب اطلاعات خاصی نیاز نداشت».^{۳۳} اجاره دادن آنها را حاج کریم‌اف از طرف حاج رحیم اتحادیه بر عهده داشت، وی در نامه مورخ ۲۱ صفر ۱۳۴۵ق می‌نویسد: «در باب اجاره دکاکین جنابعالی، بواسطه مسدود شدن راه روسیه و بحران امور اقتصادی و ورشکست شدن اکثر از تجار و بی‌پا شدن اصناف اجاره دادن و وصول مال الاجاره دکاکین خیلی مشکل شده». برای بهبود وضعیت تجارت، در نامه ۲۸ ربیع‌الاول همین سال پیشنهاد خرید پیله ابریشم را به حاجی رحیم می‌دهد.

حمل بار از رشت به تهران به چند طریق صورت می‌گرفت، اجناسی مثل برنج توسط کربلایی علی شتردار باگاری حمل می‌شد، آهن‌ها بخشی توسط محمدعلی چرخچی که احتمالاً تا سرای حاجی رحیم در بازار می‌آمد و بخشی توسط اداره خوشتاریا و توسط اتومبیل حمل می‌شد و چون اتومبیل تا بازار نمی‌آمد از اداره خوشتاریا در تهران تا حجره، توسط باربران حمل می‌شد که کرایه آن ۲ تومان بود. لازم به ذکر است اداره خوشتاریا در امر نقل و انتقال از رشت به شهرهای مختلف فعالیت داشت.

کرایه حمل برای ارقام مختلف و اینکه با چه وسیله‌ای حمل شود متفاوت بود. برای مثال کرایه حمل برنج باگاری از رشت تا تهران در یک جا ۱۶ تومان و در جای دیگر ۳۸ تومان ذکر شده است این در حالی است که مبلغ تلگراف از رشت به تهران حدود ۵ تومان بود.

یکی دیگر از شرکت‌های حمل و نقل باری، اداره بیوروپرس بود، این شرکت

مانند شرکت شروق، بار را از بادکوبه، برلن، طرابوزون به ایران حمل می‌کرد. در داخل ایران نیز این شرکت با اجازه‌نامه‌ای که از صاحب مال در اختیار داشت کالای تجاری را به مقصد حمل می‌کرد. به این صورت که برای اینکه کالاهای سفارشی حاج رحیم به تهران حمل شود، وی حواله کتبی از اداره بیوروپرس تهران به نام شعبه برای مثال بندرپهلوی می‌گرفت و به حاج کریم‌اف در رشت می‌فرستاد، حاج کریم‌اف حواله کتبی را به پهلوی ارسال می‌کرد تا هر زمان کالا به بندر رسید نماینده دیگر شرکت اتحادیه در آنجا آنها را تحویل بگیرد و به رشت و سپس تهران ارسال شود.

به طور کلی کالاهای تجاری به سه طریق از اروپا به ایران می‌آمد: روسیه، عثمانی و خلیج فارس. کالاهای تجاری اروپا بعد از حمل زمینی در خاک اروپا از طریق دریای سیاه به بندر باطوم یا طرابوزون می‌آمدند. اگر به بندر باطوم وارد می‌شدند از طریق روسیه به بادکوبه و بندر پهلوی حمل می‌شدند، خط کشتیرانی بندر بادکوبه - بندرپهلوی هر دو شنبه بادکوبه را ترک کرده و سه شنبه به بندر پهلوی می‌رسید و روز بعد باز می‌گشت.^{۳۴} کالاهای تخلیه شده در بندر طرابوزون هم از طریق خاک عثمانی وارد ایران می‌شدند. حسن طهناز در طرابوزون کالاهای متعلق به رحیم اتحادیه را تحویل می‌گرفت و از راه خشکی و به وسیله کاروان‌ها به ایران ارسال می‌کرد.

یکی از فعالیت‌های مشترک حاج کریم‌اف و حاج رحیم حمل ترانزیتی کاغذ سیگار از روسیه بود، این نوع کاغذ از پاریس از طریق روسیه یا بغداد به ایران می‌آمد. به این صورت که از پاریس تا باطوم یا استانبول حمل می‌شد و از این دو بارانداز از دو طریق به ایران حمل می‌شد؛ از باطوم به بادکوبه و از آنجا به بندر پهلوی، رشت و از آنجا به تهران و دیگر نقاط حمل می‌شد. اگر از طریق استانبول می‌آمد از طریق بغداد به ایران ارسال می‌شد. در استانبول تجارتخانه کاشف پل اتصال شرکت اتحادیه با اروپا بود. حمل کالاهای اروپایی ماه‌ها به طول می‌انجامید، برای نمونه حمل ۵۰ صندوق کاغذ سیگار از طریق باطوم و روسیه تا بندر پهلوی بیشترین حجم مطالب نامه‌ها را طی ۲۸ جمادی‌الاول تا ۳

۳۴. آرتور میلسپو، ای. آر. لینگمن و س. سیموندز، وضعیت مالی و اقتصادی ایران در دوره رضا شاه (مجموعه مقالات)، ترجمه: شهرام غلامی، چ دوم، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۹۶، ص ۷۵.

شوال ۱۳۴۵ق دربرمی‌گیرد. بخشی از این کندی حمل به دلیل عدم هماهنگی باراندازها برای تحویل و ارسال بار بود و بخشی دیگر به دلیل وضعیت راه‌ها بود. در داخل ایران معمولاً کاروان‌ها روزانه ۲۵-۱۵ مایل و وسایل نقلیه چرخدار ۲۵-۲۰ مایل طی می‌کردند.^{۳۵}

حاج کریم‌اف ترجیح می‌دهد کاغذ سیگار از طریق باطوم به ایران بیاید. علاوه بر بندرپهلوی، چمنخاله هم بارانداز کالاهای صادراتی و وارداتی از طرف دریای مازندران بود. چمنخاله، لنگرود و لاهیجان یکی دیگر از مسیرهای تجاری بودند که به رشت ختم می‌شدند.

مکاتبات حاج کریم‌اف طی سال‌های ۱۳۴۴ق تا ۱۳۴۶ق معمولاً هر هفته یک بار انجام می‌شد، اما جالب توجه این است که بعد از تاریخ ۳ شول ۱۳۴۵ق شاهد تأخیر در انجام مکاتبات هستیم که دلیل آن را می‌توان در کسالت حاج کریم‌اف جست، که در نامه‌ها به آن اشاره می‌کند. همچنین در طی این سال روابط تجاری شوروی با ایران کم‌رنگ شد، در مهر ماه ۱۳۰۶ش / ربیع‌الثانی ۱۳۴۶ق معاهده تجاری بین ایران و شوروی بسته شد و طبق این معاهده مشکلات موجود در زمینه گمرک، تجارت و مسائل سیاسی با شوروی حل و تعرفه جدیدی برای کالاهای وارداتی اعلام شد. طول مدت این قرارداد ۲ سال بود. در این ماه‌ها به دلیل روابط تجاری کم‌رنگ، حجم بیشتر مکاتبات حاج کریم‌اف و حاجی رحیم رسیدگی به دکاکین حاج رحیم در رشت است.

در سال ۱۳۱۰ش یوسف لیشنسکی به همراه ۲۴۲ نفر از تجار شمال ایران با ۵/۰۰۰/۰۰۰ قران سرمایه شرکتی تأسیس کردند و فعالیت آنها در راستای صدور اجناس ممکن‌الصدور و وارد نمودن اجناس مجاز بود. لیشنسکی تبعه دولت شوروی بود که به تاریخ ۱۳۱۰/۲/۱۸ اجازه تبعیت دولت شاهنشاهی ایران را به او دادند.^{۳۶}

کالاهایی که از اروپا به بغداد می‌آمد از طریق کرمانشاه وارد ایران می‌شد.

۳۵. همان، ص ۷۴.

۳۶. هیئت وزرا در این تاریخ بر حسب پیشنهاد نمره ۵۲۳۱ وزارت امور خارج تقاضای یوسف لیشنسکی ساکن رشت تبعه دولت شوروی را برای دخول در تابعیت شاهنشاهی ایران موافق مقررات قانون تابعیت قابل قبول تشخیص داده و پذیرفتند. "qavanin.org"

بارانداز خلیج فارس هم بیشتر بندر بوشهر و محمره و بندرعباس بود. سایر بنادری که بارانداز کالاهای تجاری وارداتی بودند عبارتند از: آستارا، مشهدسر، بابلسر و بندرگز در دریای مازندران و بندرلنگه در خلیج فارس. مکاتبات تجاری فارس با تجار مختلف به قرار زیر انجام می شد:

حاج ابوالحسن شیرازی، تجارتخانه جمشید بهمن، حاج محمدجعفر شیرازی، عبدالعلی کمپانی شیراز محمدحسین شیرازی، حاج محمدعلی و میرزا رضا شیرازی، تجارتخانه درخشان، محمد امینالتجار شیراز، غلامحسین کازرونی و اولاده، و عبدالرحمن شیرازی.

با نگاه به مکاتبات حاج رحیم و حاج لطفعلی با فارس چنین برمی آید که این مکاتبات به صورت هفته ای یک بار انجام می شد. بیشترین حجم کالای تجاری خریداری شده از تجار فارس تریاک بود. تریاک معمولاً نوغان مال بود و به دو قسم تریاک رنگی و تریاک سفید مبادله می شد. تریاک هایی که قرار بود به خارج از ایران صادر شوند باندول بندی می شدند.

روابط تجاری شرکت اتحادیه با تجار فارس علاوه بر مبادلات تجاری، مبادلات صرافی را نیز دربرداشت. هر چند در این نامه ها به وقایع سیاسی کمتر اشاره می شود، اما در یکی از نامه ها که مربوط به شوال ۱۳۴۵/ق/ ۱۳۰۵ش می باشد، محمد امینالتجار می نویسد: «یک نفر از علما را به پاره جهات تبعید به طهران کردند، عموم مردم اهالی شیراز تعطیل عموم نموده و تقاضای مراجعت ایشان را دارند و تا امروز همچون اقدامات اغلب آنها از روی عقل و جریان قانونی نبوده و نیست از این جهت نتیجه نگرفته تا بعد خداوند چه خواهد.» که نشان از پیوند علما و تجار دارد به خصوص آنکه مراودات تجاری و سیاسی دامنه داری در جنوب کشور برقرار بوده است و تنش موجود در اجتماع و در میان مردم به این مراودات آسیب می رسانند. و مهم تر آنکه نواحی فارس^{۳۷} به مثابه پل ورودی کالاهای وارداتی و صادراتی از راه دریا به مراکز ایران بوده است. ایالت فارس در مسیر جاده بوشهر - تهران قرار داشت، جاده ای که بعد از مسیر

۳۷. گستره جغرافیایی فارس به مرکزیت سیاسی شیراز، منطقه پهناوری بوده است که در دوره های مختلف تاریخی از اقتصاد تجاری جایگاه ویژه ای در میان ایالات جنوب مملکت داشته است.

رشت - تهران از پیر رفت و آمدترین راه‌های ایران به شمار می‌رفت. بر اساس اسناد آمده در این کتاب غلامحسین کازرونی در بوشهر شرکت تجاری داشت، شرکت او کالاهای وارداتی به نام تجار دیگر را که از آنها اجازه‌نامه‌چیه داشت دریافت می‌کرد و به تجارتخانه مقصد یا هر تجارتخانه‌ای که صاحب کالا درخواست می‌کرد می‌فرستاد. در فارس تجاری مثل محمدعلی و میرزا رضا شیرازی با او همکاری داشتند. محمدعلی و میرزا رضا شیرازی به نمایندگی از شرکت اتحادیه کالاهای خریداری شده را در فارس تحویل می‌گرفتند و به سید محمدتقی امین‌التجار در اصفهان ارسال می‌کرد و این آخری، آنها را به تهران می‌فرستاد. در اسناد مربوط به محمدعلی و میرزا رضا شیرازی صندوق کتاب‌های متعلق به شرکت اتحادیه از طریق این مسیر به دست حاج رحیم می‌رسد.

بیشترین حجم اطلاعاتی مکاتبات تجاری شرکت اتحادیه با فارس مربوط به صرافی است، و بیشترین پول‌های صرف شده به دلیل تجارت با هند و بمبئی صرف رویه بود. شرکت اتحادیه از طرف محمدجعفر شیرازی بارها رویه به بمبئی حواله می‌کند، میرزا محمد کلاهدوز واسطه‌جا به جایی پول در اصفهان بود. صرف و یا حواله پول به این صورت بود که مثلاً شرکت اتحادیه با جعفر آقا جهرمی مرادوات صرافی داشت، محمدجعفر شیرازی از جعفر آقا جهرمی پارچه اطلسی خریداری می‌کرد و هزینه آن را به شرکت اتحادیه حواله می‌کرد. ممکن بود جهرمی هم به تاجر دیگر در تهران بدهکار می‌بود که آن را به شرکت اتحادیه حواله می‌کرد، به این صورت پول در جاده‌ها کمتر حمل می‌شد. نکته مهم که پیشتر به آن اشاره شد، این است که تجار برای روابط تجاری که با هم داشتند قراردادی فی ما بین هم می‌نوشتند که یک نسخه از آن در دست طرفین بود و این قرارداد مدت تعیین شده داشت که در زمان اتمام موعد آن تمدید می‌شد، در آخر دوره مالی که شش ماه یا یک سال بود حساب طرفین می‌بایست تفریغ می‌شد.

محمدجعفر شیرازی همچنین از طریق شرکت اتحادیه با منچستر و وین در ارتباط بود و به حاج رحیم حواله می‌کرد که به حاجی علی‌اکبر پسران شیرازی پوند حواله کند، «برات تلگرافی عهده وین ۲۱ روزه، ۱۰۰ تومان. برات تلگرافی عهده چاهی ۲۳ روزه، ۸۰۰ تومان. برات پوند تلگرافی منچستر در وجه شیرازی

۱۰۰۰ پوند» و یا به بمبئی: «از بابت رساندن ده هزار به رحمن پسر در بمبئی مستحضر شدم، امتنان حاصل شد».

مظنه پول‌ها را بانک تعیین می‌کرد و تجار سعی می‌کردند در مکاتبات خود حتماً به قیمت‌ها اشاره کنند تا همکارانشان در شهرهای مختلف از قیمت آنها مطلع باشند. بعد از جنگ جهانی اول صرف پوند تنزل کرد که «لطمات کلی بر تجار بیچاره رسانیده». در نامه ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق آمده «برای فروش رویه تعیین قیمت ممکن نمی‌شود، چرا که متصلاً کم و زیاد می‌شود». از این تاریخ تا ۹ شعبان همین سال مظنه رویه هزاری ۵ تومان و پوند ۲۵۰ دینار کاهش داشتند، با این حال خریداری نداشت. به خصوص آنکه نرخ گمرک و عشریه هم افزوده شده بود. در این سال همچنین برات تهران در شیراز نایاب شد و تجار درخواست اشرفی، لیره و ۵ هزاری داشتند.

فعالیت اقتصادی شرکت اتحادیه با تبریز از طریق شرکت علی کمپانی، یوسف صراف تبریزی و حاجی علی اکبر صراف و چند تن دیگر بود. اسناد تجاری مربوط به حاجی علی اکبر صراف در کتاب «صرافی و صراف‌ها» به طور کامل آمده، در اینجا از تکرار آنها اجتناب شده است. اسناد مربوط به تبریز هم به صرف پول و حواله و بروات اختصاص داشت. حواله‌های حاجی رحیم به تجار تبریز برای پرداخت به تجار داخلی است، مثلاً حاج رحیم از یوسف صراف تبریزی می‌خواهد برات تجاری مثل محمدتقی امین‌التجار، سطوت‌السلطنه، افشار یوسف، حاج حسن دستمالچی و غیره را نقد کند. عمده مشکلات قابل مشهود در این اسناد کمبود قران و مسائل پستی و دیر آگاه شدن از مظنه پول‌ها در بازار است که آن هم ریشه در نابسامانی حمل و نقل آن زمان داشت. پست، پول قبول نمی‌کرد در حالی که در تهران قران کم شده بود و تجار نیاز به آن داشتند. برای ارسال پول از طریق پست دولتی «باید آدم یک روز قبل به پستخانه اظهاریه بنویسد که در فلان روز می‌خواهم به پست پول بفرستم تا اینکه بعد از دو سه دفعه آمد و رفت می‌گویند که فلان قدر پول بیاورید، به جهت آن مشکل است». اتفاق می‌افتاد برای اینکه نامه‌ها زودتر به مقصد برسند از طریق مسافری می‌فرستادند: «مدت‌ها بود منتظر زیارت دستخط مبارک بودم، چون که چند عریضه کردم و به توسط مسافری طرف بادکوبه تقدیم داشته بودم که زودتر

رسیده باشد».

چون شرایط سیاسی و اقتصادی ثبات لازم را نداشت تجار سعی می‌کردند کمتر با هم حساب باز داشته باشند. زمانی که حاج رحیم از یوسف آقا صراف می‌خواهد به تهران قران ارسال کند چنین جواب می‌گیرد: «عرض دیگر آن است که حضرتعالی یک وجهی می‌فرستید و فوراً امر می‌فرمائید با پست بفرستم. اولاً بنده یک نفر میرزا و یک نفر شاگرد دارم و از صبح تا غروب باید یک نفر به پستخانه بروم تا اینکه دو سه بسته امانت بدهد، هرگاه بنده ممکن بتوانم خودم از هر پست قران می‌فرستم و پول هم در تبریز خیلی وفور دارد، خواهشمندم بعد از این امر فرمائید که از پستخانه بفرستم».

فعالیت‌های اقتصاد صرافی شرکت اتحادیه با اصفهان طی سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۳۹ ق با تجاری از قبیل: حاج محمدتقی امین‌التجار، حاج فتح‌الله فتاحی و ابوالحسن اصفهانی و آقا تقی کاشانی بود. ضمن اینکه این شهر در مسیر تجاری جنوب به شمال قرار داشت سهم عمده‌ای در اقتصاد ایران مرکزی می‌توانست داشته باشد.

در بمبئی هم تجار بزرگ و به‌نامی حضور داشتند، اقلام صادره از آنجا به ایران را طبق اسناد مربوط به تجارتخانه حاج سید محمد کازرونی و اولاده به طور عمده می‌توان به خوراک، پوشاک از قبیل انواع چای و قند، شکر، آرد و ادویه و پارچه‌هایی مثل چیت، متقال، کتان و چلووار و اجناسی مثل کبریت و ریسمان تقسیم‌بندی کرد. تجارتخانه حاج سید محمد کازرونی و اولاده از تجار بمبئی، انواع کالاهای ذکر شده را به ایران صادر و در مقابل از طریق تجارتخانه اتحادیه، خشکبار و پوست و محلوج و پشم و غیره خریداری می‌کرد.

علاوه بر سید محمد کازرونی، حاجی عبدالرحمن، حاجی علی‌اکبر دهدشتی، محمدتقی افشار، نمازی و ناصر ولی محمد لطفعلی از تجار فعالی در بمبئی بودند. حاج علی‌اکبر دهدشتی تاجر مستقر در بمبئی اجناسی از قبیل پارچه که در شیراز و اصفهان و تهران خواهان داشت از طریق اهواز به خرم‌آباد و از آنجا به تهران برای شرکت اتحادیه ارسال می‌کرد. حاجی غلامحسین کازرونی ترجیح می‌داد از راه بوشهر ارتباط داشته باشد، او در نامه‌های خود از حاج رحیم اتحادیه می‌خواهد لیستی از مال‌التجاره‌هایی که در بازارهای تهران رایج است

برای او بفرستد تا کالاهای متقاضی ارسال شود.

در اسناد مربوط به استانبول و باکو به سان اسناد رشت، اسناد متوالی از تجار موجود نیست و اکثر مکاتبات مجزاست. آنچه مسلم است اسناد استانبول مبادلات پولی و بانکی بود.

در جمادی الاول ۱۳۲۸ ق گروهی از تجار اعلام می‌کنند در استانبول حجره تجارتی تشکیل و وکالت‌نامه خود را به آقا میرزا غلامعلی حریرفروش دادند که تا دو سال اعتبار داشت. آقا میرزا علی اکبر کاشف از تجار مستقر در استانبول بود که با شرکت اتحادیه ارتباط تجاری گسترده داشت. تجارت با استانبول در زمان جنگ روسیه و آلمان رونق می‌گیرد، بعد از جنگ جهانی اول بسیاری از تجار ایرانی ساکن در روسیه به اروپا به خصوص آلمان و اتریش مهاجرت می‌کنند. در خلال جنگ جهانی اول وضعیت تجارت رو به وخامت گذاشت، لیره‌هایی که حاج رحیم به منظور تجارت به بروکسل فرستاده بود، به دلیل جنگ مفقود شده بود چرا که شعبه بانک مربوطه معوق و متروک شده بود و حاج رحیم می‌بایست تا پایان جنگ منتظر می‌ماند تا مدیر تجارتخانه بروکسل از میلان بازگردد.

با اسکان تجار ایرانی در اروپا ارتباط تجاری ایران و اروپا گسترده‌تر شد از این رو پیشنهادات از سوی شرکت‌های اروپایی به تجار ایران می‌شد؛ از جمله از سوی شرکت‌های سوئیس، آلمان، انگلیس و اتریش نامه‌های تجاری به شرکت اتحادیه برای شروع باب مذاکره تجاری ارسال شد. این گروه در نامه‌های خود ضمن معرفی کالاهای خود ابراز خوشحالی می‌کردند که با تجار ایران همکاری داشته باشند. ساعت، دستمال حاشیه‌ای دستی و ماشینی، عطریات، کاغذ سیگار، آب جو و شکلات و منسوجات از قبیل ماهوت و نیز ماشین آلات زراعی و صنعتی و اقلام دیگر کالاهایی بودند که از سوی شرکت‌هایی مثل استیدلر، برسلاو، ساچس‌پس‌چس، آروزا، راتابلس منت، تجارتخانه دیکسن و شرکاء لمیتد پیشنهاد می‌شدند. روده گوسفند خواهان زیادی در اروپا داشت.